

## بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت‌های

### داستان زن اُوریا و داود نبی علیه السلام با تأکید بر دیدگاه امام رضا علیه السلام

علی اسدی\*

#### چکیده

اعتقاد به مصونیت انبیا از گناهان عمدی و سهوی (عصمت) از عقاید شناخته‌شده شیعی است. کارآمد بودن راه وحی و رهبری انبیا در هدایت آدمیان، چنین عصمتی را می‌طلبد. داستان‌ها و گزارش‌های موسوم به «اسرائیلیات» درباره شماری از پیامبران، همواره یکی از زمینه‌های چالش‌برانگیز درباره عصمت آنان و انحراف اعتقادی برخی فرقه‌های اسلامی بوده است. در این میان، اهل بیت علیهم السلام همواره در دفاع از عصمت انبیا و تنزیه آنان از نسبت‌های ناروا، به احتجاج با مخالفان پرداخته‌اند. احتجاج امام رضا علیه السلام، از جمله در دفاع از حضرت داود علیه السلام و رد ماجرای معروف به داستان زن اُوریا، یکی از این نمونه‌هاست. داستان مزبور، یکی از اسرائیلیات برگرفته از عهد عتیق است که پس از ورود به حوزه فرهنگ اسلامی، در تفسیر آیات مربوط به یکی از قضاوت‌های داود نبی علیه السلام و ابتلای آن حضرت، بازتاب گسترده‌ای یافته است. بیشتر مفسران، ناتوان از دستیابی به روایت درست این داستان و در دفاع از عصمت داود نبی علیه السلام، به انکار آن پرداخته‌اند و گروهی دیگر، ضمن پذیرش داستان و ارتباط آن با ابتلای داود علیه السلام برای هماهنگ ساختن آن با عصمت انبیا، قرائت‌های معتدل‌تری ارائه کرده‌اند. در این میان، امام رضا علیه السلام در مناظره با علی بن جهم، ضمن دروغ خواندن اصل داستان و نفی تطبیق آن بر آیات مربوط به ابتلای حضرت داود علیه السلام، روایت صحیح داستان زن اُوریا و نیز تحریف روی داده در آن را بیان کرده است. این مقاله، به بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عهد عتیق، مفسران مسلمان و امام رضا علیه السلام درباره این داستان پرداخته است.

کلید واژه‌ها: داود نبی علیه السلام، زن اُوریا، امام رضا علیه السلام، اسرائیلیات عصمت انبیا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.  
دریافت: ۸۹/۸/۱۰ - پذیرش: ۸۹/۱۰/۷

## مقدمه

یکی از زمینه‌های انحراف در برخی عقاید مسلمانان، ورود بسیاری از گزارش‌ها و روایت‌های یهودی به جامعه اسلامی - به ویژه درباره تاریخ زندگی پیامبران الهی است. این گزارش‌ها که اصطلاحاً «اسرائیلیات» خوانده می‌شوند، در جای‌جای منابع تاریخی، تفسیری، داستانی و حدیثی مسلمانان - به ویژه اهل سنت - به چشم می‌خورد. ورود اسرائیلیات به حوزه فرهنگ اسلامی، هرچند به نفوذ فرهنگ و تمدن یهود در میان اعراب بت‌پرست پیش از اسلام باز می‌گردد،<sup>۱</sup> اما در پی ظهور اسلام، عوامل دیگری به شتاب و گسترش آن کمک کردند. ایجاز و گزیده‌گویی قرآن کریم در گزارش‌های تاریخی، ممنوعیت نقل و نگارش احادیث پیامبر ﷺ از سوی دستگاه خلافت، مسلمان شدن بسیاری از علمای یهود و نصارا، کنار زدن اهل بیت ﷺ پیامبر ﷺ از مرجعیت دینی، علمی و سیاسی جامعه و سهل‌انگاری علمای مسلمان در نقل و بررسی احادیث از این قبیل است.<sup>۲</sup> بر همین اساس مفسران آشنا به منابع اهل کتاب و مسلمانان علاقه‌مند به آگاهی از جزئیات روایت‌های تاریخی قرآن کریم، به منابع و علمای اهل کتاب مراجعه می‌کردند؛<sup>۳</sup> به گونه‌ای که از اواخر دوران خلافت عمر بن خطاب، گروهی به نام «قصاصان» (داستان‌سرایان) در جامعه شکل گرفتند. آنان که برخی از علمای مسلمان شده یهودی مانند کعب الاحبار نیز در میانشان بود، در مساجد، حتی پیش از خطبه‌های نماز جمعه به روایت داستان‌های برگرفته از منابع اهل کتاب می‌پرداختند.<sup>۴</sup> این حکایت‌ها که با گذشت زمان و بر اثر سهل‌انگاری و بی‌دقتی دانشمندان مسلمان وارد کتاب‌های آنان هم شد، تفسیر قرآن، احادیث و گزارش‌های تاریخی را با مطالب نادرست و خرافی آمیخته کرد<sup>۵</sup> و افکار و عقاید برخی فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را به انحراف کشاند. انتساب برخی نسبت‌های زشت و ناروا به انبیای الهی از این گونه اسرائیلیات است. این نسبت‌ها، عصمت مورد تأکید قرآن و احادیث برای پیامبران را شدیداً به چالش کشیده و دستاویزی برای بدخواهان و دشمنان اسلام شده است.

اهل بیت ﷺ همواره در فرصت‌های مناسب، با اشاره به خاستگاه و نادرستی نسبت‌های این چنین، به تنزیه انبیا پرداخته و عقاید شیعیان خود را از انحراف مصون داشته‌اند. داستان ارتباط حضرت داود ﷺ، با همسر اُوریا، نمونه‌ای از این نسبت‌هاست. این داستان برگرفته از عهد عتیق،<sup>۶</sup> با ورود به تفاسیر اسلامی، چالش‌های زیادی را برانگیخته است. مفسران

مسلمان برای سازگاری دادن آن با ایده عصمت انبیا، به تکذیب آن یا ارائه قرائتی سازگار با عصمت پرداخته‌اند. نکته راهگشا اینکه، امام رضا علیه السلام ضمن تکذیب نسبت‌های ناروای یادشده در این داستان، صورت درست و تحریف‌ناشده ماجرای همسر اوریا و حضرت داود علیه السلام را بازگو می‌کند. نکته مهمی که هرگز در آرای مفسران به چشم نمی‌خورد و میزان تحریف آن حادثه در عهد عتیق را نشان می‌دهد.

### روایت عهد عتیق از داستان زن اوریا

براساس گزارش عهد عتیق [حضرت] داود، پس از فتح اورشلیم، آن را مرکز حکومت فراگیر خود قرار داد. به دنبال فتوحات زیاد و پیروزی‌های درخشان، پادشاهی مقتدری را تشکیل و مرزهای مملکت یهود را از دریای سرخ تا نیل و فرات گستراند.<sup>۷</sup> وی سرانجام، پس از چهل سال سلطنت عادلانه، در هفتاد و یک سالگی وفات یافت و در شهر اورشلیم مدفون گشت.<sup>۸</sup> کتاب مقدس،<sup>۹</sup> [حضرت] داود را پادشاه برگزیده خدا می‌خواند که از آغاز با هدایت و امداد الهی به سلطنت رسید. وی هرچند از تأیید و روح الهی برخوردار بود و مستقیماً با خدا سخن می‌گفت و همه تصمیمات مهم خود را با هدایت و مشورت او می‌گرفت، ولی پیامبر نبود.<sup>۱۰</sup> با این حال دو پیامبر به نام‌های سموئیل و ناتان نبی، معاصر وی بوده و پیام خداوند را به وی ابلاغ می‌کردند.<sup>۱۱</sup>

براساس روایت عهد عتیق، رفتار داود به عنوان یک پادشاه با عموم پادشاهان معاصر تفاوت بسیاری داشت؛ اما باز هم به عنوان یک پادشاه برگزیده الهی و نه پیامبر، گناهان و کارهای ناشایستی از وی سر زد. وی پیروی کاملی از *یَهُوَه* (خدا) نکرد. دروغ گفتن، غارتگری، رقص و پای‌کوبی و خود را به دیوانگی زدن از این قبیل است.<sup>۱۲</sup> وی همچنین زنان و کنیزان زیادی را به نکاح خود درآورد.<sup>۱۳</sup> از جمله در پی شیفتگی نسبت به زن یکی از سربازان خود، به نام «اوریا»، با وی درآمیخت و باردارش کرد. آنگاه با زمینه‌سازی، موجبات کشته شدن «اوریا» را در جنگ فراهم ساخته و همسرش را تصاحب نمود.<sup>۱۴</sup> خداوند ناتان نبی را نزد داود فرستاد و او با بیان یک حکایت، داود را متوجه گناهش کرد. براساس این حکایت، دو مرد، یکی ثروتمند و دارای گاو و گوسفندانی زیاد و دیگری فقیر و دارای یک بره، در شهری زندگی می‌کردند. مرد فقیر، که وابستگی زیادی به تنها بره خود داشت، مراقبت شدیدی از آن به عمل می‌آورد. روزی مهمانی به خانه مرد ثروتمند آمد. او

به جای آنکه یکی از گوسفندان خود را بکشد، بره آن مرد فقیر را گرفت و برای پذیرایی از مهمان سر برید. داود با شنیدن این حکایت، خشمگین شده و گفت: چنین فردی باید کشته شود و چون دلش به حال آن مرد فقیر نسوخت، باید به جای یک بره، چهار بره به وی دهد. ناتان نبی گفت: آن مرد ثروتمند تو هستی! آن‌گاه از قول خداوند به نجات داود از دست شائول (پادشاه پیش از وی)، بخشیدن کاخ و حرم‌سرای او به وی و دادن پادشاهی به او اشاره کرد و اینکه اگر بیش از این نیز می‌خواست، خداوند به وی می‌داد. ولی داود به رغم همه این نعمت‌ها، با ارتباط نامشروع با زن اُوریا و فراهم کردن زمینه برای کشته شدن شوهر او، قوانین الهی را نادیده گرفت. ناتان نبی از قول خداوند افزود: این کار داود علیه السلام، نافرمانی و توهین به یهوه (خدا) است و او به کیفر گناه مزبور و به دست افراد خانواده‌اش گرفتار بلا خواهد شد. درگیری و کشتار خانوادگی، شورش یکی از پسران داود بر ضد پدر و تصرف کاخ وی و نیز آمیزش با کنیزان او در روز روشن، آن بلای موعود بود. سرانجام داود با بیداری از خواب غفلت، توبه کرد و آموزش طلبید و بلاها و آزمون‌های سخت الهی را پشت سر نهاد.<sup>۱۵</sup> گزارش مفصل این بلاها در کتاب دوم سموئیل از مجموعه کتاب‌های عهد قدیم<sup>۱۶</sup> آمده است.<sup>۱۷</sup>

### روایت مفسران مسلمان از داستان زن اُوریا

قرآن کریم با دیدگاهی کاملاً متفاوت از کتاب مقدس، درباره شخصیت حضرت داود علیه السلام، ضمن تصریح بر پیامبر و پادشاه بودن آن حضرت، از قضاوت وی در میان مردم نیز خبر می‌دهد. برخورداری وی از نعمت «فصل الخطاب»، گزارش دو نمونه از قضاوت‌های آن حضرت و توصیه او به داوری بر اساس حق بر این موضوع دلالت می‌کند:<sup>۱۸</sup> (ص: ۲۰ - ۲۶؛ انبیاء: ۷۸ - ۷۹). گزارش یکی از دو قضاوت یادشده به طرح دعوی دو برادری اختصاص دارد که از حضرت داود علیه السلام خواستند تا درباره اختلاف آنان به عدالت و براساس حق داوری کند. یکی از آن دو گفت: برادرش به رغم داشتن نود و نه میش، می‌خواهد تنها میش او را نیز تصاحب نماید. حضرت داود علیه السلام چنین درخواستی را ظالمانه و اینگونه ستمگری نسبت به یکدیگر را، امری رایج خواند که فقط مؤمنان صالح از آن پرهیز می‌کنند. آن حضرت پس از این داوری دریافت که خداوند بدین وسیله وی را آزموده و او به سبب شتاب در قضاوت دچار لغزش شده است؛ از این رو از پروردگار آموزش طلبید و

به درگاه او توبه کرد. قرآن در پایان، از آمرزش آن لغزش و جایگاه بلند و فرجام نیکوی داود علیه السلام نزد خداوند خبر می‌دهد (ص: ۲۵-۲۱).

گزارش قرآن کریم درباره چندوچون این قضاوت و آزمون و زمینه پیدایش آن، بسیار سربسته است. به همین دلیل مفسران در این باره دچار اختلاف شدیدی شده‌اند. یک دیدگاه، آن را در ارتباط با داستان معروف همسر اوریبا و دیدگاه دوم، مرتبط با قضاوت و داوری داود علیه السلام تفسیر می‌کند. هر یک از دو دیدگاه، به نوبه خود و به سبب چالش‌های پیش‌روی، به صورت‌های مختلفی روایت و تفسیر شده‌اند.

أ. داستان زن اوریبا: داستان زن اوریبا و چگونگی ارتباط وی با ابتلای حضرت داود علیه السلام، که بازتاب گسترده‌ای در منابع تاریخی،<sup>۱۹</sup> تفسیری<sup>۲۰</sup> و داستانی مسلمانان یافته، دو گونه روایت شده است؛ در روایت نخست، ارتکاب گناه کبیره و در روایت دوم، انجام گناه صغیره به حضرت داود علیه السلام نسبت داده شده است. هر دوی این روایت‌ها براساس دیدگاه امام رضا علیه السلام مردود است.

الف. روایت نخست: براساس گزارش منسوب به مفسرانی مانند ابن عباس و سدی، روزی حضرت داود علیه السلام در محراب عبادت با دیدن پرنده‌ای زیبا و طلایی رنگ، برای گرفتن آن تلاش کرد. پرنده پر کشید و بالای دیوار رفت. حضرت داود علیه السلام که در پی آن به بالای دیوار رفته بود، با دیدن زنی زیبا در خانه مجاور، شیفته او شد. هنگامی که آن زن را به دستور داود علیه السلام نزد وی آوردند، درباره شوهرش پرسید. وی از نام همسرش را اوریبا و از حضور وی در جبهه جنگ خبر داد. حضرت داود علیه السلام با نوشتن نامه به فرمانده سپاه، زمینه اعزام شوهر او به خطرناک‌ترین منطقه درگیری و کشته شدن او را فراهم ساخته و سپس آن زن را به نکاح خود درآورد. در پی این کار، خداوند دو فرشته را به شکل انسان نزد حضرت داود علیه السلام فرستاد. آنها از او خواستند تا درباره اختلاف آنان قضاوت کند. هنگامی که داود علیه السلام فردی را که به رغم داشتن نودونه میش می‌خواست تنها میش برادر خود را نیز تصاحب کند، ظالم و ستمگر خواند؛ آنها تصاحب آن زن را به رغم داشتن زنان متعدد بر داود علیه السلام خرده گرفتند. در این هنگام، حضرت داود علیه السلام متوجه اشتباه و ابتلای خود شد و به سجده افتاد و پس از چهل روز گریه کردن آمرزیده شد. در برخی گزارش‌ها، به نقل از افرادی مانند وهب ابن منبه، به جزئیات بیشتری از این داستان اشاره شده است. فرمان خداوند به داود علیه السلام برای رفتن بر سر قبر اوریبا، برای حلالیت‌طلبی از وی و توبه کردن،

وعده خداوند به آن حضرت مبنی بر آمرزش وی و جلب رضایت اوریا، با دادن بهشت به او، گریه کردن داود<sup>علیه السلام</sup> به مدت سی سال، پس از توبه در بیابان‌ها و همراهی و هم‌نوایی انواع حیوانات با وی و عبادت و زهدگرایی شدید وی، پس از این حادثه از این نمونه است. حتی برخی منابع، دعاهایی را که حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> هنگام استغفار بر زبان جاری می‌ساخت، به شکل مبسوط گزارش کرده‌اند.<sup>۲۱</sup>

### نقد و بررسی روایت اول

این روایت، که تعدیل و بازسازی شده روایت توراتی داستان برای هماهنگ‌سازی آن با ذهنیت اسلامی است، در احادیث شیعی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و دروغ خوانده شده است.<sup>۲۲</sup> امام علی<sup>علیه السلام</sup> فرمود: اگر کسی داستانی را که قصاصان (قصه‌گویان) درباره داود<sup>علیه السلام</sup> می‌گویند نقل کند، ۱۶۰ تازیانه بر او می‌زنم.<sup>۲۳</sup> هرچند در روایت نخست نسبت زنا به حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> داده نشده است، ولی از سخن امام علی<sup>علیه السلام</sup> برمی‌آید که قصاصان معاصر حضرت نیز همانند روایت توراتی داستان، نسبت ناروای زنا به حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> می‌داده‌اند. بر این اساس امام<sup>علیه السلام</sup> ناقلان این حکایت را مستوجب دو حد می‌داند: حدی برای نسبت دادن زنا به یک مؤمن و دیگری برای هتک حرمت پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup>.<sup>۲۴</sup> امام صادق<sup>علیه السلام</sup> نیز با بیان اینکه نمی‌توان خوشنودی همه مردم را به دست آورد و جلوی زبان آنها را گرفت، داستان همسر اوریا و ارتباط داود<sup>علیه السلام</sup> با وی را نمونه‌ای یاد می‌کند که به وسیله مردم ساخته و پرداخته شده است.<sup>۲۵</sup>

این داستان در زمان امام رضا<sup>علیه السلام</sup> نیز به عنوان تفسیری از آیات مربوط به ماجرای ابتلا و قضاوت حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> مطرح بوده؛ به گونه‌ای که در یکی از مناظرات علمی حضرت و در پاسخ به فردی به نام علی ابن جهم مورد گفت‌وگو قرار گرفته است. علی بن جهم می‌خواست با اشاره به یادکرد قضاوت حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> در قرآن و ناظر دانستن آن به داستان همسر اوریا، عصمت انبیا را با استناد به آیات قرآن دچار چالش کند. امام رضا<sup>علیه السلام</sup> با شنیدن این موضوع در واکنشی نسبتاً تند و از شدت تأسف، با دست به پیشانی خود زد و استرجاع نمود. آن حضرت در ادامه، ضمن تفسیر به رأی خواندن دیدگاه ابن جهم و توصیه وی به پارسایی، از او خواست به سبب نسبت دادن سه مُنکر (شکستن نماز، فحشا و کشتن انسانی بی‌گناه) به پیامبر خدا، توبه کند.<sup>۲۶</sup>

تأمل در فرازهای مختلف پاسخ امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد که تطبیق داستان قضاوت و ابتلای حضرت داود علیه السلام با ماجرای همسر اوریا، از جهات مختلف با چالش‌های جدی تفسیری، کلامی و اخلاقی روبه‌روست. امام علیه السلام در آغاز، چنین تطبیقی را مصداقی از تفسیر به رأی قرآن خوانده و از ابن جهم می‌خواهد پارسایی کرده و از آن پرهیز کند. تفسیر به رأی همواره برخلاف موازین معتبر و پذیرفته‌شده در دانش تفسیر است. در احادیث اسلامی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و جایگاه عاملان آن، آتش دوزخ معرفی شده است. بررسی داستان همسر اوریا و ماجرای قضاوت حضرت داود علیه السلام نشان می‌دهد که مرتبط دانستن آن دو، هیچ مدرک و مستند معتبری ندارد و یکی از مصداق‌های بارز تفسیر به رأی است. تنها زمینه مرتبط دانستن آن دو این است که گزارش قرآن درباره دو برادری که برای رفع اختلاف به نزد حضرت داود علیه السلام آمدند، شباهت زیادی به داستان دو مرد فقیر و ثروتمندی دارد که در عهد عتیق از زبان ناتان نبی و برای تنبه داود علیه السلام نقل شده است. همین تشابه از یک سو، و ارتباط حکایت دو مرد فقیر و غنی با ماجرای همسر اوریا از سوی دیگر، سبب شده است تا برخی عالمان یهودی مسلمان شده یا مفسران آشنا به عهد عتیق، داستان همسر اوریا را با گزارش قرآن درباره قضاوت داود علیه السلام میان دو برادر نیز پیوند دهند. نکته شایان توجه این است که داستان همسر اوریا از افرادی مانند ابن عباس سدی و وهب ابن منبه روایت شده است که همگی کاملاً با منابع اهل کتاب آشنا بودند. ابن عباس، به سبب آشنایی زیاد با منابع اهل کتاب «جبر هذه الامة» (جبر ۲۷ مسلمانان) خوانده شده است. وهب ابن منبه یمانی یکی از اصلی‌ترین منابع ورود و گسترش اسرئیلیات در جامعه اسلامی بود.<sup>۲۸</sup> از خود وی نقل شده که نود و دو کتاب از کتاب‌های ادیان پیشین را خوانده است.<sup>۲۹</sup> بر همین اساس و نیز به سبب نسبت‌های ناروای یادشده به پیامبر الهی است که مفسران شیعه<sup>۳۰</sup> و بسیاری از مفسران اهل سنت<sup>۳۱</sup> با اعتقاد به عصمت انبیا از گناهان کبیره، این روایت از داستان را ردّ و از زوایای گوناگون مورد نقد و انتقاد قرار داده‌اند. نقدهایی که همه آنها به صورت بسیار موجز و خلاصه در کلام امام رضا علیه السلام گنجانده شده است. نمونه و توضیح بیشتر اینکه فخر رازی ضمن پلید و فاسد خواندن این حکایت، دلایل ده‌گانه‌ای را بر نادرستی آن اقامه می‌کند که همه آنها تفسیر به رأی بودن آن روایت را به اثبات می‌رساند. ضعف سند<sup>۳۲</sup> و ساختگی بودن داستان، عدم دلالت آیات قرآن و احادیث صحیح بر آن،<sup>۳۳</sup> برنتابیدن چنین نسبتی از سوی افراد عادی - حتی فاسق - و در نتیجه

نابخردانه بودن انتساب آن به پیامبری معصوم،<sup>۳۴</sup> ناسازگاری آن با ویژگی‌های گفته‌شده برای حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> در قرآن<sup>۳۵</sup> و ناسازگاری صدر و ذیل داستان از نقدهای واردشده بر آن از سوی فخر رازی است.<sup>۳۶</sup> همچنین اقتضای درستی داستان این است که حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> به بی‌ایمانی خود حکم کرده باشد؛ چرا که وی با ستم خواندن تلاش برای تصاحب یک میش به رغم داشتن نود و نه میش، تعدی نسبت به حقوق یکدیگر را امر رایجی دانست که فقط مؤمنان صالح از آن پرهیز می‌کنند؛ در حالی که طبق این روایت از داستان همسر اوریا، خود حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> از تعدی به حقوق اوریا اجتناب نکرد. ناسازگاری این داستان با آیات مختلفی که بر گزینش حکیمانه و هدفمند انبیا از سوی خداوند و برتری آنان نسبت به جهانیان تصریح می‌کند (انعام: ۱۲۴؛ حج: ۷۵؛ دخان: ۳۲) دلیل دیگری بر بطلان این داستان است.<sup>۳۷</sup> افزون بر این، بیان قرآن درباره داستان قضاوت داود<sup>علیه السلام</sup> بسیار سربسته است و هرگز بر داستان همسر اوریا قابل تطبیق نیست. از سوی دیگر، روایت نخست درباره همسر اوریا و داود نبی<sup>علیه السلام</sup>، به رغم نقل آن از سوی محدثان و مفسران بزرگ، خبر واحدی است که دلایل قطعی بر نادرستی آن وجود دارد و آن را از اعتبار می‌اندازد.<sup>۳۸</sup>

ب. روایت دوم: دسته‌ای از مفسران اهل سنت با اعتقاد به جواز صدور گناه صغیره از پیامبران و با منزه دانستن آنان از گناه کبیره و اموری مانند علاقه‌مندی نسبت به زن شوهردار و زمینه‌چینی برای قتل آدم بی‌گناه، اصل داستان را به گونه‌ای پذیرفته و تلاش کرده‌اند با ارائه پرداخت معتدل‌تری، آن را ارتکاب صغیره بخوانند.<sup>۳۹</sup> این گروه به نوبه خود، پرداخت‌های مختلفی از داستان ارائه کرده‌اند: ۱. برخی از آنها به پیروی از جبائی،<sup>۴۰</sup> با مرتبط دانستن حادثه به زمان خواستگاری، گفته‌اند که در پی خواستگاری اوریا، آن زن قرار بود با وی ازدواج کند؛ ولی هنگامی که داود<sup>علیه السلام</sup> به رغم آگاهی از این موضوع از او خواستگاری کرد، خانواده آن زن به سبب موقعیت برتر داود<sup>علیه السلام</sup> دختر خود را به نکاح وی در آوردند. بر این اساس ملامت آن حضرت به سبب علاقه به این ازدواج، به رغم داشتن زنان زیاد و خواستگاری کردن از دختری بود که پیش از وی خواستگار داشت.<sup>۴۱</sup> ۲. برخی دیگر گفته‌اند که داود<sup>علیه السلام</sup> در پی شیفگی نسبت به همسر اوریا، از وی خواست که زن خود را طلاق دهد. در مقابل، هر زن و کنیزی را که بخواهد به ازدواج او در می‌آورد؛ اما اوریا نپذیرفت و خداوند به سبب چنین درخواستی، داود<sup>علیه السلام</sup> را مورد ملامت قرار داد. بنا به نظر دیگری، چنین درخواستی در آن زمان رایج بود و اوریا از سر حجب و حیا، همسر خود را



طلاق داد و داود علیه السلام با وی ازدواج کرد. این نوعی ترک «اولی» بود.<sup>۴۲</sup> ۳. بر اساس روایت سوم، داود علیه السلام آرزو کرد که زن اوریبا به گونه شرعی همسر وی گردد و هنگامی که اوریبا به صورت طبیعی در جنگ کشته شد، داود علیه السلام، که همواره از کشته شدن سربازانش متأثر می‌شد، بدون ناراحتی از مرگ وی با همسر او ازدواج کرد. چنین چیزی دون شأن انبیا و درخور نکوهش است.<sup>۴۳</sup> ۴. روایت چهارمی هم وجود دارد که بر پایه آن، در زمان داود علیه السلام اگر مردی از دنیا می‌رفت، نزدیکان وی به ازدواج با همسر او اولویت داشتند و ازدواج کس دیگری، جز در صورت اعراض اقوام، ناروا شمرده می‌شد. در پی مرگ اوریبا، داود علیه السلام از همسر وی خواستگاری، و با او ازدواج کرد. موقعیت و جایگاه حضرت، مانع از آن شد که اقوام اوریبا برای ازدواج با بیوه او اقدام کنند.<sup>۴۴</sup>

### نقد و بررسی روایت دوم

روایت دوم مفسران نیز براساس دیدگاه امام رضا علیه السلام مردود است؛ چراکه حضرت از یک سو، اساساً لغزش حضرت داود علیه السلام را مربوط به قضاوت وی و کاملاً بی‌ارتباط با داستان زن اوریبا دانسته است؛ در حالی که تقریرهای گوناگون مفسران از روایت دوم داستان زن اوریبا، بر اساس ارتباط آن با ماجرای قضاوت حضرت داود علیه السلام صورت گرفته است. از سوی دیگر، اصولاً داستان زن اوریبا و ارتباط وی با حضرت داود علیه السلام با هر دو روایت اسلامی آن کاملاً دروغ و بی‌پایه و اساس است.<sup>۴۵</sup> توضیح بیشتر اینکه امام رضا علیه السلام ضمن تأیید اصل ازدواج حضرت داود علیه السلام با زن اوریبا، آن را به صورتی کاملاً متفاوت روایت کرده و تصریح می‌کند که این مسئله بعدها به دلایل خاصی، دستخوش تحریف و دگرگونی شده است. اصل این داستان به روایت امام رضا علیه السلام در ادامه مقاله بررسی خواهد خواهد شد.

توضیح بیشتر اینکه، بررسی تطبیقی روایت عهد قدیم و منابع تفسیری به خوبی نشان می‌دهد که ارتباط دادن ماجرای زن اوریبا با گزارش قرآن کریم درباره ابتلای حضرت داود علیه السلام همان گونه که بسیاری از مفسران نیز تصریح کرده‌اند، افزون بر نادرستی آن، از اسرائیلیات و اقتباسی از عهد قدیم است.<sup>۴۶</sup> در حالیکه براساس روایت دوم، اصل داستان همسر اوریبا و ارتباط آن با ابتلای داود علیه السلام پذیرفته شده است. با این تفاوت که در قرائت‌های مختلف روایت دوم، تلاش شده است برای سازگار شدن داستان زن اوریبا با باورها و اندیشه‌های کلامی پذیرفته شده درباره عصمت انبیا، بعضی از فرازهای گزارش

عهد قدیم و روایت نخست، حذف یا تعدیل شود. تعدیل داستان در روایت دوم با تقریرهای مختلف آن نیز دقیقاً برای سازگار کردن آن با ذهنیت اسلامی صورت گرفته است. حتی در موارد زیادی تلاش شده است که داستان با ذهنیت اسلامی بازسازی و صحنه‌هایی نیز به آن افزوده شود. برای نمونه، نسبت درآمیختن با زن اوریا و باردار شدن وی پیش از ازدواج با داود علیه السلام، که در گزارش عهد قدیم وجود دارد، در اکثر منابع اسلامی حذف و حتی از عدّه نگه‌داشتن زن اوریا پیش از ازدواج با داود علیه السلام یاد شده است.<sup>۴۷</sup> همچنین براساس روایت کتاب مقدس، خداوند کیفر سختی را برای داود علیه السلام در نظر گرفت. اما در روایت منابع اسلامی، داستان با توبه و استغفار داود علیه السلام و آمرزش الاهی وی به پایان می‌رسد. نپرداختن به عذاب و کیفر داود علیه السلام در روایت‌های اسلامی، بیشتر به سبب ناسازگاری آن با آموزه‌های اسلامی درباره انبیاست.

تفاوت دیگر مربوط به صحنه پیش‌آمده‌ای است که داود علیه السلام در پی آن متوجه لغزش خود شد. در کتاب مقدس، از آمدن دو نفر برای طرح دعوی مربوط به تصاحب یک گوسفند سخنی به میان نیامده است؛ بلکه پیامبری به نام ناتان با بیان یک حکایت و تطبیق شخصیت ثروتمند آن بر داود علیه السلام، حضرت را متوجه گناه خویش می‌کند. نبود تفاوت‌های مربوط به روایت‌های مفسران در عهد قدیم و مستند نبودن آنها به دلایل و مدارکی معتبر، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه برخی محدثان، مفسران و داستان‌سرایان کوشیده‌اند روایت عهد قدیم را متناسب با ذهنیت اسلامی خویش ساخته و پردازش کنند تا هماهنگ با آموزه‌های اسلامی مورد پذیرش مسلمانان قرار گیرد.

### روایت امام رضا علیه السلام درباره داستان زن اوریا

به نظر می‌رسد همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود، اصل ازدواج حضرت داود علیه السلام با زن اوریا درست بوده؛ ولی بعدها به عللی دچار تحریف، افسانه‌سرایی و داستان‌پردازی شده است. امام رضا علیه السلام در پاسخ ابن جهم که درباره اصل داستان همسر اوریا پرسید، فرمود: در زمان داود علیه السلام اگر مردی می‌مرد یا کشته می‌شد، زن وی باید برای همیشه بدون شوهر می‌ماند؛ اما خداوند خواست که این سنت غلط برچیده شود و داود علیه السلام نخستین کسی بود که موظف شد بر خلاف آن عمل کند. بر این اساس هنگامی که اوریا به صورت طبیعی در جنگ کشته شد، حضرت داود علیه السلام به فرمان الاهی موظف شد با زن او ازدواج کند. از آنجاکه

پذیرش چنین کاری برای مردم دشوار بود، زمینه برای این حرف و حدیث‌ها فراهم شد.<sup>۴۸</sup> روایت نقل شده از امام صادق علیه السلام نیز مؤید این ادعاست. حضرت با بیان اینکه نمی‌توان خوشنودی همه مردم را به دست آورد و جلوی زبان آنان را گرفت، داستان همسر اوریبا و ارتباط داود علیه السلام با وی را نمونه‌ای یاد می‌کند که به وسیله مردم ساخته و پرداخته شده است.<sup>۴۹</sup>

در واقع این ازدواج هم شبیه ازدواج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با زینب، دختر جحش بر اساس فرمان و مصلحت الهی و با هدف برچیدن یک سنت غلط بود. توضیح اینکه در فرهنگ عرب پیش از اسلام، پسرخوانده، حکم فرزند حقیقی را داشت؛ از این رو، از پدرخوانده‌اش ارث می‌برد. همسرش، عروس او تلقی می‌شد و پدرخوانده حق نداشت حتی پس از طلاق نیز با وی ازدواج کند. این سنت، جاهلانه بود و با ظهور اسلام باید شکسته می‌شد. اما به سبب ریشه‌دار بودن، نقض و نادیده گرفتن آن به راحتی و با یک دستور مورد پذیرش مردم قرار نمی‌گرفت. حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز از مقاومت مردم در برابر حکم الهی و سوء استفاده منافقین هراسناک بود. به همین سبب مقرر شد این سنت جاهلی به وسیله خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در ارتباط با پسر خوانده خود آن حضرت، شکسته شود تا راحت تر مورد پذیرش مردم قرار گیرد. بر این اساس پیش از آنکه زید، همسرش زینب را طلاق دهد، به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وحی شد که زید، همسرش را طلاق خواهد داد. شما باید پس از طلاق با وی ازدواج کنید. (احزاب: ۳۹-۳۶) اما همین موضوع، مایه داستان‌پردازی و افسانه‌سرایی شد. بر اساس این افسانه پوشالین که در عصر حاضر نیز دشمنان اسلام آن را یکی از نقاط ضعف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌شمارند.<sup>۵۰</sup>

**۲. لغزش در قضاوت:** در مقابل دیدگاه نخست، که ابتلای داود علیه السلام و ماجرای قضاوت وی را مربوط به داستان زن اوریبا می‌داند، مفسران شیعه، هماهنگ با ظاهر و سیاق آیات و با توجه به ناسازگاری دیدگاه اول با عصمت انبیا، ابتلای حضرت داود علیه السلام را مربوط به قضاوت و داوری وی و نه ماجرای زن اوریبا دانسته‌اند؛ زیرا حضرت بدون اینکه بین‌های از مدعی طلب کرده و نظر طرف مقابل را بپرسد، حکم خود را صادر کرد.<sup>۵۱</sup> این دیدگاه، از امام رضا علیه السلام گزارش شده است. حضرت در پاسخ ابن جهم درباره چیستی لغزش داود علیه السلام و ابتلای یادشده برای وی در قرآن فرمود: داود علیه السلام گمان می‌کرد خداوند کسی را داناستر از او نیافریده است. برای همین، خداوند دو فرشته را به عنوان دو طرف دعوا نزد او فرستاد و

حضرت داود علیه السلام بدون اینکه از مدعی، بینه‌ای بخواهد و یا نظر طرف مقابل را در این باره جویا شود، چنان درخواستی را ظالمانه خواند. بنابراین لغزش داود علیه السلام مربوط به این داوری و قضاوت بود و آیه بعدی، این مسئله را تأیید می‌کند. در آیه بعد، خداوند به حضرت داود علیه السلام سفارش می‌کند براساس حق داوری کند؛ چرا که وی، خلیفه و جانشین خدا در روی زمین است (ص: ۲۶).<sup>۵۲</sup>

شماری از مفسران اهل سنت، مانند فخر رازی هم این دیدگاه را به عنوان تفسیری قابل قبول یاد کرده‌اند.<sup>۵۳</sup> تلاش مفسران برای توجیه این دیدگاه با تقریرهای مختلف نشان می‌دهد ایده عصمت انبیا و نیز فصل الخطاب و حکمت خدادادی داود علیه السلام و ناسازگاری آنها با خطای در قضاوت، این تفسیر را هم به چالش کشانده است.<sup>۵۴</sup> بر همین اساس طوسی و طبرسی، قضاوت داود علیه السلام را مشروط دانسته و گفته‌اند که حضرت گفت: اگر برادر تو چنین درخواستی کرده باشد، درخواست وی ظالمانه است.<sup>۵۵</sup> علامه طباطبائی که قضاوت داود علیه السلام را مربوط به عالم تمثل می‌داند، با فرض اینکه طرفین دعوا، انسان بوده و طرح شکایت در عالم مادی و محسوس روی داده باشد، قضاوت حضرت را مشروط دانسته است.<sup>۵۶</sup>

برخی مفسران گفته‌اند با سخن شاکی برای حضرت داود علیه السلام، علم به ستمگری طرف مقابل حاصل شد و حضرت براساس علم، داوری کرد. بنابراین وی فقط یکی از مستحبات قضاوت را رعایت نکرده و خطایش مصداق ترک اولی است.<sup>۵۷</sup>

برخی دیگر گفته‌اند داوری یاد شده، یک قضاوت رسمی و واقعی نبوده است؛ به این معنا که حضرت داود علیه السلام نمی‌خواست مالی را از یکی گرفته و به دیگری بدهد؛ بلکه فقط یک گفت‌وگو بین دو طرف شده بود. یکی گفته بود: آن یک گوسفند را هم به من بده و دیگری گفته بود نمی‌دهم. بعد هم به نزد داود علیه السلام آمده و گفت‌وگوی خود را نقل کردند و حضرت داود علیه السلام گفت: چنین درخواستی، ظالمانه است. البته بهتر بود در این مورد هم شتاب نمی‌کرد.<sup>۵۸</sup>

به اعتقاد علامه طباطبائی، همان گونه که بیشتر مفسران نیز گفته‌اند، دو طرف دعوا، فرشته بوده و در شکل دو مرد ظاهر شده‌اند. وی قرائنی چون ورود غیر عادی آن دو، هراس داود علیه السلام از آنها و پی بردن وی به اینکه صحنه مزبور، آزمون الاهی، و نه یک حادثه عادی است، فرشته بودن آنان را تأیید می‌کند. وی بر این اساس نتیجه می‌گیرد که طرح شکایت و نیز داوری حضرت داود علیه السلام در ظرف تمثل و عالم مکاشفه روی داده است تا

حضرت بر اساس تربیت الهی، برای جانشینی خداوند و قضاوت میان مردم، آمادگی پیدا کند. از آنجاکه در ظرف تمثیل، مانند عالم رویا هیچ تکلیفی وجود ندارد، خطا و استغفار داود<sup>ع</sup> نیز، همانند خطا و استغفار حضرت آدم<sup>ع</sup> در ارتباط با میوه ممنوعه بوده و گناه نیست.<sup>۵۹</sup> اما همان گونه که برخی مفسران نیز گفته‌اند، ظاهر آیات نشان می‌دهد که طرح دعوا و داوری داود<sup>ع</sup> در عالم عینی و خارجی روی داده است و تفسیر آن باید - افزون بر عصمت انبیا - با ظاهر آیات نیز سازگاری داشته باشد.<sup>۶۰</sup>

### نتیجه‌گیری

نتیجه اینکه برخی عالمان مسلمان شده یهودی و مفسران آشنا به منابع اهل کتاب، به سبب وجود برخی شباهت‌ها، ماجرای نقل شده زن اوریا و داود نبی<sup>ع</sup> در عهد عتیق را با برخی تعدیل‌ها بر ماجرای ابتلای حضرت داود<sup>ع</sup> که در قرآن آمده است، تطبیق کرده‌اند. موضوع مورد دعوی دو برادر در ماجرای ابتلای حضرت داود<sup>ع</sup> از برخی جهات به حکایت تمثیلی ناتان نبی در داستان زن اوریا شباهت دارد و همین شباهت، زمینه‌ساز تطبیق مزبور شده است. امام رضا<sup>ع</sup> ابتلای داود<sup>ع</sup> را مربوط به قضاوت حضرت و کاملاً بی‌ارتباط به ماجرای موسوم به داستان زن اوریا دانسته است. داستان زن اوریا، ایده عصمت انبیا را زیر سؤال می‌برد؛ اما براساس روایتی که امام رضا<sup>ع</sup> از ماجرای زن اوریا به دست داده است، دیگر اشکالی متوجه عصمت انبیا نمی‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. سیدحسین ذهبی، *الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث*، ص ۲۳ - ۲۲.
۲. محمدحسین ذهبی، *التفسیر و المفسرون*، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۸ - ۱۷۵؛ محمدبن عبدالکریم شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۶۹ - ۶۸ و ۷۷؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۱۱، ص ۱۳۴ - ۱۳۳.
۳. محمدحسین ذهبی، همان، ذهبی، ج ۱، ص ۱۷۷ - ۱۷۵.
۴. سیدحسین ذهبی، *الاسرائیلیات*، ص ۹۰ - ۸۹؛ عبدالرزاق صنعانی، *المصنف*، ج ۳، ص ۲۱۹؛ شمس‌الدین ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۴۴۷ - ۴۴۸؛ ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۲، ص ۴۸۵ و ج ۴، ص ۱۹.
۵. محمدحسین ذهبی، همان، ج ۱، ص ۱۷۷ - ۱۷۵.
۶. عهد عتیق دارای دو نسخه قدیمی، یکی به زبان عبری و دیگری یونانی است. نسخه یونانی که ترجمه شده نسخه عبری است به نسخه «سبعینیه» معروف و مهم ترین تفاوت آن با متن عبری در هفت کتاب طوبیت، یهودیت، حکمت سلیمان، حکمت یسوع بن سلیمان، باروک، کتاب اول و دوم مُکابیان است. به رغم وجود این کتاب‌ها در نسخه سبعینیه، متن عبری آنها در دست نیست. همچنین برخی از کتاب‌ها در نسخه سبعینیه نسبت به متن عبری، اضافاتی دارند. (یوسف صموئیل، *المدخل الی العهد القديم*، ص ۶۰ - ۶۱؛ توماس میشل، *کلام مسیحی*، ص ۲۴ - ۲۵)
۷. کتاب مقدس، دوم سموئیل ۱: ۱۰؛ ۱۹: ۵؛ ۶: ۲۵؛ ۸: ۱ - ۲۲؛ ۱۵: ۵۱؛ ۲۳: ۱؛ اول تواریخ ۱: ۱۹ - ۱۹: ۱۱ و باب ۱۱.
۸. کتاب مقدس، دوم سموئیل، ۵: ۱ - ۵: ۸ و ۱۳: ۸؛ اول تواریخ، ۱۱: ۱ - ۹: ۱؛ اول پادشاهان، ۲: ۱۰؛ مستر هاکس، *قاموس کتاب مقدس*، ص ۳۶۹ - ۳۶۸ «داود».
۹. ر.ک: یوسف صموئیل، *المدخل الی العهد القديم*، ص ۲۶ و ۳۲؛ توماس میشل، همان، ص ۲۳؛ حسین توفیقی، *آشنایی با ادیان بزرگ*، ص ۹۷.
۱۰. کتاب مقدس، دوم سموئیل ۲: ۱؛ ۵: ۱۷ - ۱۹ و ۲۳؛ ۲۴: ۷؛ ۴: ۱۶؛ ۲۳: ۲؛ اول تواریخ ۱۷: ۱ - ۱۵؛ *قاموس کتاب مقدس*، ص ۳۶۸ - ۳۷۰ «داود».
۱۱. کتاب مقدس، دوم سموئیل ۱۲: ۱ - ۱۴؛ ۲۴: ۱۱ - ۱۴؛ مستر هاکس، همان، ص ۴۸۹ - ۴۹۰ «سموئیل» و ص ۸۶۴ «ناتان».
۱۲. کتاب مقدس، اول سموئیل ۲۱: ۱ - ۳ و ۱۰ - ۱۵ و ۲۵: ۱ - ۳۵؛ دوم سموئیل ۶: ۵ و ۱۴ و ۱۶ و ۲۰ - ۲۲.
۱۳. همان، اول سموئیل ۲۵: ۳۹ - ۴۴؛ دوم سموئیل ۳: ۲ - ۵ و ۵: ۱۳ و ۱۲: ۲۶ - ۲۷؛ مستر هاکس، همان، ص ۳۷۰ «داود».
۱۴. کتاب مقدس، دوم سموئیل ۱۱: ۵ - ۱۴ و ۲۷: ۱۲؛ ۱: ۱۲ - ۱۲.
۱۵. کتاب مقدس، دوم سموئیل ۱۲: ۹ - ۱۸ و ۱۳: ۱ - ۳۸.
۱۶. دوم سموئیل، باب‌های ۱۳ و ۱۵ الی ۱۸.
۱۷. ر.ک. حسین توفیقی، همان، ص ۹۷ - ۱۰۲.
۱۸. محمد بن جریر طبری، *جامع البیان*، مج ۱۲، ج ۲۳، ص ۲۰؛ فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۷ - ۸، ص ۷۳۲؛ ابوالفضل رشیدالدین میبدی، *کشف الاسرار*، ج ۸، ص ۳۳۳.

۱۹. احمد بن یعقوب یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، ص ۵۲-۵۳؛ محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۵؛ علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۵۲ - ۵۴.
۲۰. ر.ک: عبدالله محمود شحاته، *تفسیر مقاتل*، ج ۳، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ محمد بن جریر طبری، *جامع البیان*، مج ۱۲، ج ۲۳، ص ۱۷۴؛ علی ابن ابراهیم قمی، *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۲۲۹ - ۲۳۳.
۲۱. عبدالله محمود شحاته، همان، ج ۳، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ محمد بن جریر طبری، *جامع البیان*، مج ۱۲، ج ۲۳، ص ۱۷۴؛ علی ابن ابراهیم قمی، همان، ج ۲، ص ۲۲۹ - ۲۳۳.
۲۲. محمود بن عمر زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۳۶۶؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۵؛ *تفسیر قرطبی*، ج ۱۵، ص ۱۱۹.
۲۳. محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۳، ص ۳۶۶؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۵.
۲۴. محمد بن حسن طوسی، *التبیان*، ج ۸، ص ۵۵۵؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۵.
۲۵. شیخ صدوق، *الامالی*، ص ۱۶۴.
۲۶. همان، ص ۱۵۲؛ محمد بن علی بن بابویه قمی، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۱۷۱ - ۱۷۲؛ ابن جمعه عروسی حویزی، *نور الثقلین*، ج ۴، ص ۴۴۶.
۲۷. جبر، مفرد آخبار و به معنای عالم یهودی است. خلیل بن احمد فراهیدی، *ترتیب العین*، ص ۱۶۰؛ زبیدی الحنفی، *تاج العروس*، ج ۶، ص ۲۲۹؛ واژه های دخیل در قرآن، ص ۱۰۶. این واژه در فارسی به کاهن و خاخام ترجمه شده است. مسترهاکس، همان، ص ۷۶۰؛ علی اکبر دهخدا، *لغت نامه*، ج ۶، ص ۸۱۴۵.
۲۸. شمس الدین ذهبی، همان، ج ۴، ص ۵۴۵؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۲۶.
۲۹. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۵، ص ۵۴۳.
۳۰. محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۵۵۴-۵۵۵؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۴ - ۳۵۵.
۳۱. محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۳، ص ۳۶۶؛ آلوسی، *روح المعانی*، ج ۲۳، ص ۲۸۵.
۳۲. ابوجعفر النحاس، *معانی القرآن*، ج ۶، ص ۱۰۰ - ۱۰۱؛ *تفسیر قرطبی*، ج ۱۵، ص ۱۱۶.
۳۳. محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۵۵۴ - ۵۵۵؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۴-۳۵۵.
۳۴. محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۳، ص ۳۶۶؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۴ - ۳۵۵.
۳۵. محمد بن عمر فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۲۷، ص ۱۸۹ - ۱۹۲.
۳۶. همان، ج ۲۷، ص ۱۸۹ - ۱۹۲.
۳۷. محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۵۵۴ - ۵۵۵؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۵.
۳۸. محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۲۷، ص ۱۸۹ - ۱۹۲.
۳۹. محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۵۵۴؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۳ - ۳۵۴؛ محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۲۷، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.
۴۰. ر.ک: محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۵۵۴؛ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۳ - ۳۵۴.
۴۱. *تفسیر قرطبی*، ج ۱۵، ص ۱۱۶؛ *تفسیر ملا صدرا*، ج ۳، ص ۱۲۰.

۴۲. تفسیر ملا صدرا، ج ۳، ص ۱۲۰؛ التحرير و التنوير، ج ۲۴، ص ۲۳۷ - ۲۳۸.
۴۳. كشف الاسرار، ج ۸، ص ۳۳۵ - ۳۳۶؛ زادالمسیر، ج ۷، ص ۱۱۶ - ۱۱۷.
۴۴. ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۸، ص ۳۵۴.
۴۵. شیخ صدوق، همان، ص ۱۵۲؛ محمد بن علی بن بابویه قمی، همان، ج ۲، ص ۱۷۱ - ۱۷۲؛ مسند الامام الرضاؑ، ج ۲، ص ۹۴.
۴۶. تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۳۴؛ التحرير و التنوير، ج ۲۴، ص ۲۳۸ - ۲۳۹.
۴۷. همان، ج ۴، ص ۳۴.
۴۸. شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۵۲؛ مسند الامام الرضا، ج ۲، ص ۹۴؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۴۴۶.
۴۹. شیخ صدوق، همان، ص ۱۶۴.
۵۰. همان، ص ۱۵۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱ - ص ۷۲ - ۷۵.
۵۱. محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۵۵۳؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۵۹.
۵۲. امالی صدوق، ص ۱۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۱ - ص ۷۲ - ۷۵.
۵۳. محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۲۷، ص ۱۹۳ - ۱۹۴.
۵۴. محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۵۵۳؛ سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۷، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.
۵۵. همان، ج ۸، ص ۵۵۳.
۵۶. سید محمد حسین طباطبائی، همان، ج ۱۷، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.
۵۷. محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۲۷، ص ۱۹۳ - ۱۹۴؛ ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۱۹، ص ۲۵۹.
۵۸. محمد تقی مصباح، راه و راهنما شناسی، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.
۵۹. سید محمد حسین طباطبائی، همان، ج ۱۷، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.
۶۰. ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۱۹، ص ۲۵۹.



## منابع

- ابن حجر، *مقدمه فتح الباری*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ابن سعد، *طبقات الکبری*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، چ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن عاشورا، تفسیر التحریر والتنویر، دوم، تونس، الدارالتونسیه للنشر، بی تا.
- ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۹ق.
- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش محمد حسین عرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، چ هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۴ش.
- جویری، جمال‌الدین، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، چ چهارم، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، موسسه اهل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۲ق.
- حویزی، ابن جمعه عروسی حویزی، *تفسیر نورالثقلین*، به کوشش رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا ودانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
- ذهبی، سیدحسین، *الاسرا بیلیات فی التفسیر والحديث*، چ دوم، بیروت، دارنعمه، ۱۴۰۵ق.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد، *سیر اعلام النبلاء*، چ نهم، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
- ذهبی، محمدحسین، *التفسیر والمفسرون*، قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۶ق.
- زبیدی الحنفی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، چ دوم، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق.
- شحاته، عبدالله محمود، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۳ق.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل والنحل*، به کوشش محمد سیدگیلانی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- صدرالمتالهین شیرازی، *تفسیر القرآن الکریم*، به کوشش محمد خواجوی، چ دوم، قم، بیدار، ۱۳۶۶ش.
- صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، سوم، تهران، اسلامی، ۱۳۵۵ش.
- صموئیل، یوسف، *المدخل الی العهد القدیم*، قاهره، دارالتقافه، ۱۹۹۳م.
- صنعانی، عبدالرزاق، *المصنّف*، به کوشش حبیب رحمن اعظمی، بی جا، المجلس العلمی، بی تا.
- طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، به کوشش عبد المجید سلفی، چ دوم، بی جا، بی تا، ۱۴۰۵ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰ق.
- \_\_\_\_، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، به کوشش احمد حبیب عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

- عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضاؑ، مشهد، کنگره بین المللی امام رضاؑ، ۱۴۰۶ق.
- غیاث الدین، حبیب السیر، تهران، خیام، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، به کوشش محمد حسن بکایی، قم، اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- قرطبی، تفسیر قرطبی، تحقیق و تصحیح احمد عبد العظیم البردونی، بیروت، دار احیا التراث العربی، بی تا.
- قمی، علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، به کوشش موسوی جزایری، لبنان، دارالسرور، ۱۴۱۱ق.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه فاضل خان همدانی، به همت انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل، بی جا، بی تا، ۱۹۹۰.
- کلباسی اشتری، حسین، مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس، چ دوم، بی جا، فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- محمدبن علی بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضاؑ، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
- محمدبن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- محمدتقی مصباح یزدی، راه و راهنما شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینیؑ، ۱۳۷۶.
- مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، به کوشش مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- مقدسی مطهر بن طاهر، البلد والتاریخ، مکتبه الثقافه الدینیه، بی جا، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ودیگران، تفسیر نمونه، چ دوازدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، به کوشش علی اکبر حکمت، چ چهارم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱ش.
- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۱ش.
- النحاس، ابوجعفر، معانی القرآن، به کوشش الصابونی، عربستان، جامعه ام القرى، ۱۴۰۹ق.
- نیشابوری، محمدبن عبدالله الحاکم، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- یعقوبی، احمدبن یعقوب، تاریخ یعقوبی، چ ششم، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۵ق.